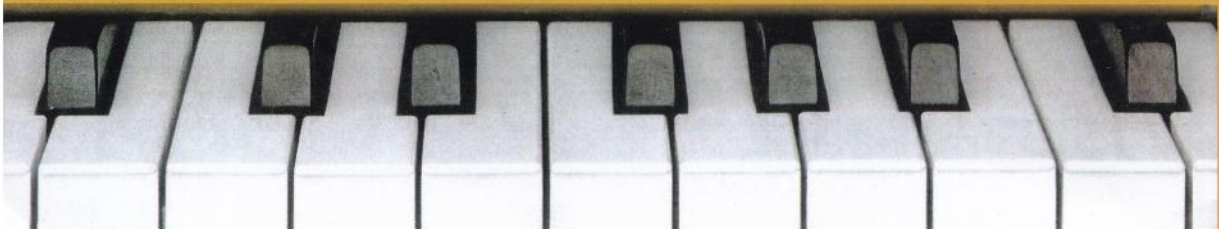


سرگذشت پیانو

هرولد شوونبرگ

ترجمه پرتو اشراق



<p>Schonberg, Harold C. سرگذشت پیانو / هرولد شونبرگ؛ ترجمه پرتو اشراق - تهران: ناهید، ۱۳۸۱. ISBN 978-964-6205-39-0</p>		<p>شونبرگ، هرولد. ۶۴۴ ص.: مصور. فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.</p>
<p>The Great Pianists. ۱. پیانوزنان - سرگذشتنامه الف. اشراق، پرتو، ۱۳۲۰ - ، مترجم ب. عنوان. ۷۸۶/۱۰۹۲۲</p>		<p>عنوان اصلی: ۴ س ۹ ش / ML۳۹۷ کتابخانه ملی ایران</p>
<p>۸۱-۲۷۱۳۴</p>	<p>۱۳۸۱</p>	

- چاپ اول: ۱۳۸۱
- چاپ دوم: ۱۳۸۶
- چاپ سوم: ۱۳۹۰
- چاپ پنجم: ۱۳۹۹
- چاپ چهارم: ۱۳۹۵
- چاپ ششم: ۱۴۰۲



با همکاری



انتشارات ناهید

- هرولد شونبرگ
- سرگذشت پیانو
- ترجمه پرتو اشراق
- چاپ: دوستان
- چاپ ششم: بهار ۱۴۰۲
- شمارگان: ۲۲۰ نسخه
- همه حقوق محفوظ است.

تکثیر و انتشار این اثر به هر روش (بازنویسی، فتوکپی، ضبط الکترونیکی و ذخیره در سیستم بازیابی و پخش) بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.

- سایت: www.nahid.com
- پست الکترونیکی: nahidbooks@yahoo.com
- فروش اینترنتی: www.behanbook.ir

فهرست

۷	مقدمه
۱۳	۱. سرآغاز سخن
۴۲	۲. باید روان باشد، چون آب
۶۱	۳. سوّمی ها، ششمی ها، و اوکتاوها
۷۷	۴. مسافر نیمرخ
۹۹	۵. سیم های پاره، دست های بالا
۱۲۳	۶. در همین احوال
۱۳۶	۷. از ایرلند تا بوهمیا
۱۶۶	۸. ژمانتیسیم و قواعدهش
۱۹۰	۹. مسلول، ملالی، شاعر
۲۱۴	۱۰. رعد، برق، میسمریسم، سکس
۲۴۴	۱۱. «آریچو»ی خوشدست، سالن نشینان دیگر، و نفوذ در آمریکا
۲۷۰	۱۲. سالن نشینان بیشتر، و انقلاب اوکتاوها
۲۷۸	۱۳. سودازدگان

۲۸۸	۱۴. اولین آمریکایی
۳۰۴	۱۵. هنرمند
۳۲۲	۱۶. خودخواه، خردمند
۳۲۷	۱۷. فرزندان آبه
۳۵۴	۱۸. رعدی از شرق
۳۶۹	۱۹. سادگی، وقار و ذوق فرانسوی
۳۸۲	۲۰. جانشینان لیست و لیشتیزکی
۳۹۴	۲۱. فرشته‌ای از کروبیان به زمین می‌آید
۴۰۷	۲۲. غول کوچک و دیگر غول‌های ساخت لیست
۴۲۶	۲۳. بعضی هم از گروه لیشتیزکی
۴۳۳	۲۴. شوپنی، بودا و دیگران
۴۵۴	۲۵. زنان
۴۶۷	۲۶. آهنگسازان، پشت پیانو
۴۷۶	۲۷. دکتر فاوست پشت پیانو
۴۹۰	۲۸. حدّ کمال
۵۰۷	۲۹. حدّ خلوص
۵۱۹	۳۰. بعضی مشاهیر روز
۵۳۴	۳۱. فلسفه نو، سبک نو
۵۵۱	۳۲. مردی که پتهوون را کشف کرد
۵۶۱	۳۳. رُمانتیسیم هنوز می‌سوزاند
۵۷۸	۳۴. مکتب‌های قرن بیستم
۵۹۸	۳۵. یخ‌ها آب می‌شود
۶۱۳	۳۶. باخ، مُد روز
۶۲۱	۳۷. دو موجود مقدّس
۶۳۰	۳۸. ساخت آمریکا

۱. سرآغاز سمفونی

باخ پیر در سال ۱۷۵۰ مرده بود و همراه او روش فاضلان و عالمانه کونتر پوئن نیز ناپدید شده بود. یک چیز تازه در فضای آهنگین آن روزگار در جریان بود، چیزی که از دربارهای فرانسه و ایتالیا آمده بود و دوستداران موسیقی از آن حمایت می‌کردند، و آهنگسازان (از جمله پسران باخ) به آن توجه مخصوص روامی داشتند. پدیده‌ای بود که داشت شکل می‌گرفت. این پدیده، هوموفونی^۱ نام داشت که موسیقی را از کلیساها به سالن‌های عمومی کشاند و از فوگ^۲ تا سونات^۳ را دربر گرفت. همچنین روش تازه‌ای را در موسیقی و آواز عرضه می‌داشت که با آثار گذشته تفاوت می‌کرد و از ساختی استادانه و رونق، ادب، لطافت و ظرفیت فراوان برخوردار بود. به علاوه شکل نوینی از ملودی، بافت و سادگی مفاهیم را پیشنهاد می‌کرد. آنان که مخاطب این موسیقی قرار می‌گرفتند از طبقه بالا بودند - از میان روحانیون بانفوذ و صاحب‌مقام، نجیب‌زادگان و اشراف، ثروتمندان و مالداران و

۱. اصطلاحی که به معنای هارمونی (هماهنگی) ساده است. قطعه‌ای که در آن یک صدای ساده، ملودی را حمل می‌کند [نک صدایی یا مونوفونی^۱ در مقابل چندصدایی یا پلی فونی]. در یونان باستان آن را در مقابل آنتی - فونی [برگردان‌خوانی، جواب] قرار می‌دادند. - م.

۲. Fugue: از ریشه لاتین Fugere، به معنای گریختن، دوری جستن. ترکیبی آهنگین که در آن تم به وسیله آلات موسیقی مختلف به طور مسلسل دنبال شده، توسعه می‌یابد. - م.

۳. Sonata: از ریشه لاتین Sonare، به معنای به صدا درآوردن، نواختن. ترکیبی آهنگین برای یک یا چند ساز، معمولاً در سه یا چهاربخش، که در موضوع وحدت دارند اما در تمپو، ریتم و... مختلفند. - م.

زمینداران بزرگ و بورژواهای جاه طلب. (سبک «کلاسیک» هنوز به عنوان یک هنر دموکراتیک شناخته نمی شد.) این مخاطبان تجمع خود را بسیار پیچیده و گمراه کننده می دانستند، در واقع همینطور هم بود؛ کسانی که خود را در این طبقه جا می زدند اغلب کم مایه و کوتاه بین و سبک رأی و ظاهرپسند بودند. شنونده ای که در این خیل سبک مایه جای می گرفت چیزی که از موسیقی انتظار داشت، همانا تفریح و خوشدلی و فریبندگی بود. چنین شخصی حاضر به اندیشیدن نبود، به آن نوع موسیقی علاقمند بود که او را به جذبه لذت های بی مقدار فرو برد. چارلز برنی^۱ یکی از اولین مورخان و منتقدان و سخنگویان موسیقی عصر خویش، گفته است: «این نوع موسیقی همراه با فریبندگی، پسند عامیانه و آداب دانی، مدعی صراحت، صافی، نرمی و زیبایی نیز بود. در آن اثری از آلام لجام گسیخته، تهیدستی توفانی و مصایب بفرنجی که گریبان اکثریت را گرفته بود مشاهده نمی شد.»

ظاهراً موسیقی نو که «شیوه زیبا»^۲ خوانده می شد و ایتالیایی ها آن را «استیل سوئتو»^۳ نام نهاده بودند، در آغاز قرن هیجدهم، کم و بیش به صورت خودجوش در اروپا سرپرده شد و می رفت که آثار «روکوکو»^۴ ای هایدن و موزار را براندازد. نماینده چنین حرکتی «پرگولسی»^۵ بود؛ هم او بود که از باروک^۶ فاصله گرفت و به دنبالش

۱. Charles Burney (۱۷۹۱-۱۷۱۲)، از معروف ترین مورخان موسیقی و منتقدان انگلستان است که از ۱۷۸۶ تا هنگام مرگ از کارمندان صاحب نام دربار انگلستان بود. دخترش فانی (۱۸۴۰-۱۷۵۲) از نویسندگان برجسته قرن ۱۹ اروپا به شمار می رفت. - م.

2. Style Galant

3. Stile Sueto

۴. Rococo، شیوه ای در معماری، دارای آرایش های زیاد و عاری از لطافت و ظرافت که در سده های ۱۷ و ۱۸ در اروپا معمول شد و به موسیقی نیز درآمد. - م.

۵. Giovanni Batisia Pergolesi (۱۷۳۶-۱۷۱۰)؛ آهنگساز ایتالیایی. از نوایغ موسیقی بود، که در کودکی اسنادی خود را در نواختن ویولون به اثبات رساند. علیرغم عمر بسیار کوتاهش تأثیرات قابل توجهی در موسیقی عصر خود نهاد. از استادان اپرای یوف (اپراکامیک) به شمار می رفت. - م.

۶. Baroque، شیوه هنری رایج بین سال های ۱۶۰۰ تا ۱۷۵۰ میلادی. عقیده بر این است که این شیوه در آخرین سال های قرن شانزدهم به وجود آمد. برخی آن را مرحله نهایی رنسانس خوانده اند اما بسیاری هم هستند که باروک را یک دوره هنری مستقل می دانند. به نظر می رسد شق اول به حقیقت نزدیکتر است. این روش نو با خود موجی از تغییر آورد که مردان کلیسا هم به آن پیوستند و روحانیونی که بیشتر به تجمل پرستی شهرت داشتند به شدت از آن حمایت کردند. باروک به خصوص در جهان مسیحی پروتستان مذهب کاملاً رسوخ یافت و به سرعت در هلند، فرانسه و انگلستان رواج پیدا کرد. - م.

اختراع کریستوفوری توجه معاصرانش را به خود جلب کرد. دو سال پس از ارائه اولین نمونه، مطلبی راجع به پیانو در یکی از مطبوعات به نام *روزنامه ادبی ایتالیا*^۱ انتشار یافت. این مطلب در ۱۷۲۵ به آلمانی ترجمه شد و شخصی به نام گوتفرد سیلبرمان^۲ را برانگیخت تا چند نمونه پیانو بسازد (احتمالاً حدود سال ۱۷۳۰). مقارن با همان اوقات موسیقیدانان هنوز از هارپسیکورد استفاده می‌کردند. ولی اولین نمونه‌هایی که برای پیانو ساخته شد توسط لودو-ویکو جوستینی^۳ انجام گرفت.

سیلبرمان نمونه‌های خود را به یوهان سباستیان باخ نشان داد. وقتی که باخ در ۱۷۳۶ سفری به درسدن کرد این نمونه‌ها را دید. اطلاعاتی که درباره این بازدید داریم دست‌دوم است. گویا باخ گفته بود نوایش لطیف، صدای زیرش ضعیف و عملکردش سرسختانه و دشوار است. سیلبرمان که مزاج و طبع تنندی داشت برآشفته و از انتقادات باخ دلگیر شد و بد و بیراه گفت. یوهان فریدریش اگریکولا که از زبان یک شاهد این واقعه را نقل می‌کند، می‌نویسد: «سیلبرمان مدّت‌ها از آقای باخ خشمگین بود.» قول و سخن باخ درباره پیانو اثر مهمی برجای گذاشت؛ همگی نظرش را پذیرفتند؛ بالاخره او بزرگترین ارگ نواز آلمان و شاید اروپا به شمار می‌رفت و در نواختن کلاویه و هارپسیکورد سرآمد بود و از نظر آهنگسازی بعد از تله‌مان^۴ قدرتمند قرار داشت.

یکی دو سال بعد سیلبرمان در رفع نقص‌هایی که باخ به آن‌ها اشاره کرده بود همت گماشت و تصدیق کرد که انتقاداتش چندان هم بی‌ربط نبوده است. برای بار دوم باخ آمد و نمونه تکمیل شده را امتحان کرد و سیلبرمان خود به اگریکولا گزارش داد، «بالاخره موفق شدم نظر مساعد او را دریافت کنم...»

1. Giornale dei Letterati d'Italia

2. Gottfried Silbermann

3. Lodovico Giustini

۴ Georg Philipp Telemann (۱۶۸۱-۱۷۶۷)، آهنگساز آلمانی. دوره باروک. موسیقی را در واقع نزد خود آموخت و معلمی نداشت. در بسیاری از مناطق و شهرهای اروپا که نیول شاهزادگان و دوک‌ها و کنت‌ها بود عنوان مهمی در موسیقی داشت از جمله رهبر ارکستر شهر هامبورگ و کاپل مایستر دربار شاهزاده پرومیتز در شهر سمور. از او بیش از ۳۰۰۰ قطعه برای کلاویه، ۴۲ قطعه عزا، ۶۰۰ اورتور و ۴۰ اپرا برجای مانده است. اعتبار او از همکاریش یوهان سباستیان باخ بیشتر بود. - م.

اعتقاد یوهان نیکلاس فورکل^۱ - اولین کسی که شرح احوالات باخ را نوشته - [باخ انگشتانش را آن‌چنان آرام و مقطع بر کلیدها می‌گذاشت که حرکتشان به سختی قابل تشخیص بود. حرکت فقط در اولین بند انگشت‌ها دیده می‌شد، دست ثابت بود، حتی در مشکل‌ترین و کوبنده‌ترین «پاساژ»ها خمیدگی انگشتان حفظ می‌شد و دست هرگز ارتفاع نمی‌گرفت. انگشت‌ها با لرزش مختصری با کلیدها برخورد می‌کردند و هرگاه یکی از آن‌ها در کار بود، دیگران بی حرکت می‌ماندند.] این آرامش در وضع قرار گرفتنش پشت کلاویه نیز وجود داشت. [وقتی می‌تواخت بدنش - چون دیگر نوازندگان که نواختنی چون او نداشتند - حرکت زیادی نمی‌کرد.] از این روایات درمی‌یابیم که نوازندگی باخ به لحاظ حرکت دست‌ها و انگشتان، چیزی منحصر به خودش بوده، دست‌های قوی و کارآمد داشته، به طوری که نه تنها آکوردها، بلکه پاساژها، تحریرها و لرزش‌های ساده یا مضاعف را با همان آرامش و ظرافت اجرا می‌کرده است. بی شک او ارباب بی‌چون و چرای سازهایی بود که با آن‌ها پرورش یافته بود و البته ما هم می‌توانیم کیفیت‌های آهنگسازی او را حدس بزنیم. به یکی از دوستانش گفته بود که قادر است هر صفحه نثری را که می‌بیند در همان نگاه اول بدون نقص بنوازد. ولی پیانو خیلی دیر به او رسید و همین‌طور هم هندل^۲ و اسکارلاتی^۳ آن را بس دیر یافتند. هارپسیکورد، کلاویکورد و ارگ سازهایی کلیددار این سه غول موسیقی بودند.

ایتالیا اگرچه سرزمین اختراع پیانو بود ولی به زودی آن را فراموش کرد و ساختن این ساز به دیگر کشورهای اروپا انتقال یافت. در ۱۷۵۹ فرانسوی‌ها زبان به زبان

1. Johann Nicolaus Forkel

۲. George Fredrick Handel (۱۶۸۵-۱۷۵۹)، در شهر هال آلمان زاده شد و پس از آموزش موسیقی و کار در کلیسای جامع آن شهر وطن را رها کرد و به انگلستان رفت و تابعیت آن کشور را پذیرفت و با حمایت پادشاه، آکادمی سلطنتی موسیقی را به وجود آورد و ابرایی تأسیس کرد ولی با مخالفت شاهزاده ویلز و تعدادی از نجبا در کارش شکست خورد اما به هرحال بار دیگر سرها ایستاد. در میان آثارش اپرا و اورتوریو اهمیت بیشتری دارد. در تصنیف اپرا پیرو ایتالیا و به خصوص روش اسکارلاتی بود. - م.

۳. Alessandro Scariatti (۱۷۲۵-۱۶۶۰)، آهنگساز ایتالیایی؛ در بالرمو - سیسیل زاده شد. او را به حق پایه‌گذار مکتب اپرای ناپلی دانسته‌اند. آثار گرانبهایی در زمینه اپرا، اورتوریو، کانتاتا، مَس، سرناده، کنسرتو و سنفونی دارد. سبک آهنگ‌سازی او تقریباً بر تمام آهنگسازان اروپا تأثیر گذاشت. هندل در تصنیف اپرا و اورتوریو از او تقلید کرده است. - م.

۱. سرآغاز سخن □ ۱۵

سامارتینی^۱، و همینطور آهنگسازان مکتب آواز آلمان یعنی اشتامیتز^۲ و کارل فیلیپ امانوئل باخ^۳ هم آمدند.

پیانو، سازی بود که تازه به میدان آمده بود و روزبه‌روز بیشتر مورد اقبال قرار می‌گرفت و انتظارات «شیوه زیبا» را به خوبی برآورده می‌کرد. بارتولومئو کریستوفوری^۴ که متخصص ساختن هارپسیکورد بود و در پادوا زندگی می‌کرد در ۱۷۰۹ پیانو را اختراع کرد. در فلورانس طرح ساختن یک ابزار جدید موسیقی را براساس هارپسیکورد ریخت. در این ساز نو چکش‌هایی وجود داشت که توسط کلید به حرکت درمی‌آمد و سیم‌هایی را به صدا درمی‌آورد. آن را «سازی با صدای آرام و بلند»^۵ نامید یعنی سازی که هم صدای نرم و ضعیف داشت و هم صدای بلند و قوی. چنین فکری البته نو نبود. فکر استفاده از چکش‌های کوچک برای به صدا درآوردن سیم‌ها قبلاً هم مطرح شده بود. آرنولد دولمچ^۶ در یکی از کتاب‌هایش اشاره می‌کند که در سال ۱۶۱۰ یک نفر هلندی که شغلش ساختن آلات موسیقی بود کوشش‌هایی در این زمینه به عمل آورده بود. با این حال تقریباً همه کریستوفوری را مخترع و سازنده پیانو می‌دانند، همانطور که تاریخ هارون اهل اسکندریه را فراموش می‌کند و تنها جیمزوات را مخترع ماشین بخار می‌داند.

۱. Giovanni Batista Samartini (۱۷۰۱-۱۷۷۵)، آهنگساز ایتالیایی. در آغاز نوازنده ارگ در کلیسای سانتاماریا مادالنا. میلان بود و شهرتی نداشت اما به تدریج آثارش در اروپا شایع شد. از او ۱۵ کنسرتو، ۱۸۷ تریو و ۷۷ ستفونی باقی مانده است. - م.

۲. Johann Wenzel Anton Stamitz (۱۷۱۷-۱۷۵۷)، آهنگساز، ویولونیست و رهبر ارکستر آلمانی. در کودکی نواختن ویولون را نزد پدرش آموخت و چندسال بعد استاد شد و به شهرت بزرگی دست یافت به طوری که در تاجگذاری شارل هفتم ویولون سولو نواخت. در ۱۷۴۳ به دعوت شاهزاده کارل تئودور به عضویت ارکستر دربار مانتهایم درآمد و به زودی رهبر همان ارکستر شد. علاوه بر سونات‌های متعدد، ۷۴ ستفونی هم از او باقی مانده است. - م.

۳. Carl Philipp Emanuel Bach (۱۷۱۴-۱۷۸۸)، دوّمین و مشهورترین پسر یوهان سباستیان باخ. هم او بود که شیوه پُلی‌فونی پدر را رها کرد به مونوفونی روی نمود. به حق می‌توان او را از چهره‌های شگفت‌انگیز موسیقی اروپا دانست. - م.

۴. Bartolommeo Cristofori (۱۶۵۵-۱۷۳۱)، اهل پادوا بود در جوانی زادگاهش را ترک گفت و در فلورانس به‌دربار شاهزاده فردیناندو دو مدیچی پیوست. در ساختن هارپسیکورد شهرت فراوانی داشت. در ۱۷۰۹ پیانو را ساخت. یکی از پیانوهای دست‌ساز او اکنون در موزه متروبولیتن نیویورک نگه‌داری می‌شود. - م.

5. Gravicembalo Col Piano e Forte

6. Arnold Dolmetsch



پیانو کیفیت و منش موسیقی را از درون و بیرون تغییر داد.

هنگامی که در نیمه قرن هجده در عرصه موسیقی ظاهر شد نگرش و ادراک آهنگسازان را عوض کرد و بر ارکستراسیون، هارمونی، رنگ آمیزی و تصنیف و اجرای آثار تأثیر چشمگیری نهاد و بعد یک تحوّل همه جانبه به دنبال آورد. با ظهور این ساز نو موسیقی اروپا از بُن تغییر کرد، به خصوص در آهنگسازی و رنگ آمیزی قدمی بلند به سوی تکامل آهنگین و نفوذ احساس و ادراک در بطن موسیقی برداشت؛ و این به واقع یک جهش بود.

از این رهگذر نوازندگان فرزانه‌ای به وجود آمدند که با شیوه مخصوص به خود رمز و راز نهفته در آثار مصنفان بزرگ را از لابه‌لای ورق‌های نت بیرون کشیدند و موسیقی واقعی را به گوش مردم رساندند. از آن دوره تاکنون بیش از دو قرن می‌گذرد. کیفیت آثار و شیوه نواختن آن‌ها به لحاظ این ساز شگفت‌انگیز میان پیانو فورته و پیانیسمو متغیّر بوده، از همان آغاز ارکسترها، رهبران و آهنگسازان آن را با میل و رغبت پذیرفتند.

از لگاتوهای افسانه‌ای موزار که چون «آب روان» بود، تا خیزاب‌های اقبانوسی بتهوون، و لرزش‌های گوش‌نواز شوپن، از شیوه انگشت‌گذاری کلارا شومان - تیز مثل نوک مداد - تا نواختن آتشفشانی و نفسانی روبینشتاین، از فرازهای استادانه راخمانینف و ظهور مداوم روش‌ها، شیوه‌ها، و تولّد ستارگان درخشانی چون لیست اسطوره‌ای، همه از وجود پیانو بود.

هرولد شوپنبرگ (برنده جایزه پولیتزر)، در این کتاب شیرین نه تنها از ظهور پیانو می‌گوید، بلکه داستان‌های دلچسبی از بزرگ‌ترین نوازندگان تاریخ موسیقی و سلوک عجیبشان با این ساز تعریف می‌کند. شوپنبرگ جایزه پولیتزر را به خاطر نقد هنری در سال ۱۹۷۱ دریافت کرد. از ۱۹۵۷ منتقد موسیقی نیویورک تایمز بود و به عنوان منتقد ارشد شناخته شد. از ۱۹۸۰ خبرنگار فرهنگی بود؛ تألیفات مهمی در باب موسیقی دارد - از جمله: رهبران بزرگ، زندگی آهنگسازان نامی، و جهان موسیقی.

مطبوعات آمریکایی و اروپایی کتاب حاضر را یکی از مهم‌ترین تألیفات دنیای موسیقی قلمداد کرده‌اند، که از موزار آغاز می‌شود و به وان‌کلیبرن ختم می‌گردد. پیانو سازی بزرگ و زهی بود که با چکش‌های ظریف مکانیکی به صدا درمی‌آمد. اختراع آن را به یک ایتالیایی که سازنده هارپسیکورد بود، نسبت می‌دهند. این شخص که در خدمت شاهزاده فردیناند دومدیچی بود وقتی در ۱۷۰۹ اولین طرح‌های فنی را تهیه می‌کرد احتمالاً نمی‌دانست چه تحوّل عظیمی در جهان موسیقی به وجود خواهد آورد. در اوایل قرن ۱۹ موزار و کلمنتی، دو رقیب سرسخت شیفته آن شدند و تا آخر عمر رهایش نکردند.

ISBN:978-964-6205-39-0



9 789646 205390

۳۸۰۰۰۰ تومان

